
پرسش ها و پاسخ ها
پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

## موضوع:

**۱. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ عترت و اهل بیت پیامبر خاتم**
**۲. مقدّمات؛ حجّت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ روایات رسیده از خلفاء خداوند (واحد و متواتر)**

بسم الله الرحمن الرحیم

**پرسش** نویسنده: سریر تاریخ: ۱۳۹۵/۶/۳۱

نظر علامه منصور هاشمی خراسانی در رابطه با واقعه غدیر خم چیست؟ قول «من کنت مولاه فهذا علیّ مولاه» صحّت دارد؟

**پاسخ** تاریخ: ۱۳۹۵/۷/۲

حدیث غدیر خم با محوریّت عبارت «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»؛ «هر کس من مولای او هستم این علی مولای اوست»، بواسطه‌ی بیش از ۱۰۰ صحابی از رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم روایت شده و طرق آن نزد اهل حدیث، سخت فراوان است؛ چنانکه احمد بن حنبل آن را از ۴۰ طریق و محمّد بن جریر طبری آن را از ۷۵ طریق و جزری مقری آن را از ۸۰ طریق و ابن عقده آن را از ۱۰۵ طریق و ابو سعید سجستانی آن را از ۱۲۰ طریق و ابو بکر جعابی آن را از ۱۲۵ طریق و برخی دیگر آن را از طرق بیشتری روایت کرده‌اند[۱]؛ بل انصاف آن است که هیچ حدیثی در کثرت طرق به پایه‌ی آن نمی‌رسد؛ چنانکه ذهبی گفته است: «محمّد بن جریر درباره‌ی طرق این حدیث کتابی نوشته است که من آن را دیدم و از آن و از کثرت طرقش دهشت کردم»[۲] و از ابو المعالی جوینی معروف به امام الحرمین نقل شده است که با تعجّب می‌گفت: «در بغداد یک جلد کتاب را در دست صحّافی دیدم که در آن روایات غدیر خم بود و بر روی آن نوشته شده بود: جلد بیست و هشتم از طرق سخن رسول خدا صلّی الله علیه و سلّم که <هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست> و در ادامه جلد بیست و نهم می‌آید»[۳] و این به طور قطع حاکی از «تواتر لفظی» و «اهمّیّت خاصّ» این حدیث در میان مسلمانان است.

---

۱ . برای آگاهی از این طرق، نگاه کنید به: الغدير للأميني، ج۱، ص۱۴ تا ۱۵۸.
۲ . تذكرة الحفاظ للذهبي، ج۲، ص۷۱۳
۳ . ينابيع المودة للقندوزي، ج۱، ص۱۱۳

مطابق با ظاهر این حدیث، علیّ بن ابی طالب مانند رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم مولای مسلمانان است و تبعاً اطاعت او بر آنان مانند اطاعت رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم بر آنان و مانند اطاعت مولا بر عبد واجب است؛ خصوصاً با توجّه به صدر این حدیث که مولویّت او را از باب اولویّت رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم در آیه‌ی ﴿النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ﴾[1]؛ «پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است» شمرده و ذیل آن که فرموده است: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ»؛ «خداوندا! دوست کسی باش که او را دوست بدارد و دشمن کسی باش که او را دشمن بدارد» و با توجّه به حدیث متواتر «ثقلین» که بواسطه‌ی بیش از ۳۰ صحابی از رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم روایت شده و صریح در وجوب تمسّک به اهل بیت آن حضرت پس از او در کنار تمسّک به کتاب خداوند است[2]، در حالی که علیّ بن ابی طالب بزرگ آنان و قدر متیقّن از آنان محسوب می‌شود و به همین دلیل، از عمر بن خطاب روایت شده است که او را مولای خود و مولای همه‌ی مسلمانان می‌شمرد[3] و به او حرمتی می‌نهاد که به احدی از صحابه نمی‌نهاد، تا جایی که به او گفته شد: «إِنَّكَ تَصْنَعُ بِعَلِيٍّ شَيْئًا لَا تَصْنَعُهُ بِأَحَدٍ مِنَ الصَّحَابَةِ»؛ «تو با علی گونه‌ای رفتار می‌کنی که با احدی از صحابه رفتار نمی‌کنی»، پس پاسخ داد: «إِنَّهُ مَوْلَايَ»؛ «او مولای من است»[4] و از سایر صحابه نیز روایت شده است که چون به نزد او می‌آمدند می‌گفتند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَانَا»؛ «سلام بر تو ای مولای ما»[5]؛ همچنانکه نوعاً اطاعت او را بر خود واجب می‌دانستند و می‌گفتند: «إِذَا حَدَّثَنَا ثِقَةٌ عَنْ عَلِيٍّ بِفُتْيَا لَا نَعْدُوهَا»؛ «هرگاه ثقه‌ای ما را از علی به فتوایی خبر دهد، از آن تخطّی نمی‌کنیم»[6] و از هر معضلی که در آن به او دسترسی نداشته باشند، به خداوند پناه می‌بردند[7].

البته اعتقاد به این حقیقت، مستلزم بی‌احترامی به سایر اصحاب رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم نیست و از این رو، کسانی که با اعتقاد به این حقیقت، به سایر اصحاب آن حضرت بی‌احترامی می‌کنند، در خطا هستند. چیزی که مسلّم است این است که هر کس از اصحاب رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم فضل علیّ بن ابی طالب را شناخته و از او اطاعت کرده، حقّ مولای خود را ادا نموده و سود برده و هر کس از آنان فضل او را نشناخته و از او اطاعت نکرده،

---

۱. الأحزاب/ ۶

۲. نگاه کنید به: بازگشت به اسلام، ص۱۲۴.

۳. مصنف ابن أبي شيبة، ج۷، ص۵۰۳؛ مسند أحمد، ج۴، ص۲۸۱؛ تاريخ بغداد للخطيب البغدادي، ج۸، ص۲۸۴؛ تاريخ مدينة دمشق لابن عساكر، ج۴۲، ص۲۳۳؛ سير أعلام النبلاء للذهبي، ج۱۹، ص۳۲۸؛ البداية والنهاية لابن كثير، ج۷، ص۳۸۶

۴. تاريخ مدينة دمشق لابن عساكر، ج۴۲، ص۲۳۵؛ الرياض النضرة للمحبّ الطبري، ج۳، ص۲۳۳؛ فيض القدير للمناوي، ج۶، ص۲۸۲

۵. مصنف ابن أبي شيبة، ج۷، ص۴۹۶؛ مسند أحمد، ج۵، ص۴۱۹؛ المعجم الكبير للطبراني، ج۴، ص۱۷۴؛ تاريخ مدينة دمشق لابن عساكر، ج۴۲، ص۲۱۲

۶. الطبقات الكبرى لابن سعد، ج۲، ص۳۳۸؛ تاريخ مدينة دمشق لابن عساكر، ج۴۲، ص۴۰۷؛ تاريخ الإسلام للذهبي، ج۳، ص۶۳۸

۷. الطبقات الكبرى لابن سعد، ج۲، ص۳۳۹؛ تأويل مختلف الحديث لابن قتيبة، ص۱۵۲؛ الإستيعاب في معرفة الأصحاب لابن عبد البر، ج۳، ص۱۱۰۳؛ كشف المشكل من حديث الصحيحين لابن الجوزي، ج۱، ص۱۷۶؛ أسد الغابة لابن الأثير، ج۴، ص۲۳

حقّ مولای خود را ضایع نموده و زیان کرده و خداوند به کار هر دو آگاه است؛ همچنانکه برای مسلمانان بهتر است به جای بی‌احترامی به کسانی از اصحاب رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم که فضل مولای خود را نشناخته و از او اطاعت نکرده‌اند، خطای آنان را تکرار نکنند، بلکه جبران کنند؛ به این صورت که فضل مولای خود را بشناسند و از او اطاعت کنند و مولای آنان همانا «مهدی» است که در زمان آنان مانند علیّ بن ابی طالب در زمان اصحاب رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم است و هر کس فضل او را نشناسد و از او اطاعت نکند، مانند کسی است که فضل علیّ بن ابی طالب را نشناخته و از او اطاعت نکرده است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قَالَ الْمَنْصُورُ لِجَمَاعَةٍ مِنَ الشِّيعَةِ: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ وَهُوَ يَتَشَيَّعُ لِغَيْرِ الْمَهْدِيِّ»[1]؛ «منصور به جماعتی از شیعه فرمود: دروغ می‌گوید کسی که می‌پندارد از شیعه‌ی علی است، در حالی که از غیر مهدی طرفداری می‌کند!».




۱. گفتار ۱۷۵، فقره‌ی ۸